



پخته‌خواری، معضل جامعه فرهنگی ما

سید علی آل داوود*



با پخته‌خواری ندارند. شاید فکر می‌کنند فایده‌ای ندارد، و تا حدودی هم همین‌طور است. وقتی شکایتی می‌شود، قضات و دادگاه‌های ما آن تجربه را ندارند که در این موضوع اظهار نظر کنند؛ چه بسا مواردی بوده و شخصی که اقدام به پخته‌خواری و سرقت آثار دیگران کرده، تبرئه شده. به هر صورت جامعه در این زمینه فعال نیست؛ نه جامعه فرهنگی و نه جامعه حقوقی؛ و تا تکلیف قانون روشن نشود، این گروه با بی‌پروایی این کار را می‌کنند. گاهی کل کتاب و گاهی بخش‌هایی از آن را می‌دزدند. یکی از راه‌های مقابله با آن، تصحیح قانون مؤلفان و ناشران است و شاید ورود ایران به قانون کپی‌رایت؛ یعنی ورود ایران به یک کپی‌رایت داخلی که حق کسی تضییع نشود. متأسفانه این فقری است که در جامعه فرهنگی ما وجود دارد و امیدواریم بنحوی حل شود.

راجع به ضرورت دیجیتالی کردن نسخه‌ها و کتاب‌ها بفرمایید. آیا جای کاغذ را می‌گیرد؟

پدیده دیجیتالی یکی از پدیده‌های مفید عصر جدید است. طبعاً، نسل قدیم که آشنایی ندارند، مبارزه می‌کنند که این کار نشود یا اگر احساس می‌کنند که این کار ضرورتی است که نمی‌شود از آن فرار کرد، همه دوست دارند که تا حدی با آن مبارزه کنند و بگویند که ما سیستم قدیم و نشر کتاب را دوست داریم.

واقعیت این است که آنچه ما می‌بینیم و با این سرعتی که دارد پیش می‌رود، فکر می‌کنم که شاید تا سی-چهل سال دیگر، یعنی نسل جدید که می‌آید، شاید اصلاً کسی به سمت کتاب‌های کاغذی نرود. فکر می‌کنم فعلاً تا نسل‌های قدیمی هستند، حتی آن‌هایی که با کامپیوتر آشنایی دارند و

نظرتان را درباره پدیده کتاب‌سازی و پخته‌خواری بفرمایید. من راجع به این موضوع تا به حال چند مقاله نوشته‌ام. حدود ۱۰-۱۲ سال پیش در مجله نشر دانش مقاله‌ای نوشتم که تا حدودی انعکاس پیدا کرد. در مجله گزارش میراث هم مقالاتی نوشته‌ام. پخته‌خواری معضلی است که دامنگیر جامعه فرهنگی ما شده و عده زیادی قلم‌به‌دست پیدا شده‌اند که می‌خواهند خیلی زود، در همه زمینه‌ها، متمول شوند همان‌طور که در مسائل اقتصادی نسل عجولی داریم که می‌خواهند زود پولدار شوند و شهرت پیدا کنند.

طبعاً عالم شدن و شایستگی پیدا کردن برای نوشتن مقاله، چیزی است که به مرور زمان به دست می‌آید. در دنیا، این‌طور نیست که هر کسی وارد هر زمینه‌ای شد، فوراً خودش را متخصص اعلام کند و مقاله بنویسد؛ ولی در ایران به سبب خلأ قانونی در این زمینه، عده‌ای با جسارت و گستاخی وارد این کار می‌شوند، چند کتاب را کنار هم می‌گذارند و کتابی به اسم خودشان می‌نویسند و چون با مانع قانونی مواجه نمی‌شوند، این عرصه روز به روز وسیع‌تر می‌شود. قانونی هم که در سال ۱۳۴۸ نوشته شده خیلی کمبود و کسر دارد و با وجود پیشرفت‌هایی که در عرصه نشر در دنیا رخ داده و دامنه آن به ایران هم رسیده و با توجه به پیشرفت‌هایی که در دنیای نشر پیدا شده، قانونی باید نوشته شود که مسائل روز را در نظر بگیرد و پاسخگو باشد. غیر از آن، اشکال دیگری هم وجود دارد؛ جامعه فرهنگی ما، یعنی جامعه دانشمندان و اهل قلم واقعی، نسل بی‌اعتنایی هستند که به دنبال احقاق حق خود نیستند؛ حتی اگر ببینند اثرشان دوباره چاپ شده، آن آمادگی روحی و حقوقی را برای مبارزه

* پژوهشگر متون تاریخی



از متون و کتاب‌ها به صورت دیجیتالی استفاده می‌کنند، خواه ناخواه، عاشق کتاب‌های کاغذی هستند و دوست دارند کتاب را بردارند و مطالعه کنند و قلم هم دستشان باشد و در حاشیه آن، یادداشت‌های خود را بنویسند و اظهار نظر کنند، همه را یکجا کنند و به صورت مقاله دریاورند. بسیاری از کسانی که مقاله تحقیقی می‌نویسند، اصلاً شروع مقاله تحقیقی‌شان این است که متن را برمی‌دارند و نظرهایی را که در باب آن دارند، در حاشیه کتاب می‌نویسند و بعداً به صورت مقاله درمی‌آورند. طبعاً از این افراد نمی‌شود انتظار داشت که کلاً از کتاب کاغذی دست بکشند، اما به عقیده من در زمان‌های آینده هرچقدر بخواهیم فرار کنیم، خواه ناخواه گریبان نسل‌های بعدی را خواهد گرفت و این دیجیتالی‌شدن چیزی است که نمی‌شود از آن فرار کرد؛ ولی قطعاً کتاب کاغذی تا چهل-پنجاه سال دیگر خواهد بود.

آیا تصحیح مجدد بعضی کارها واقعاً ضروری است؟

بله حتماً؛ متونی را که سابق تصحیح می‌کردند، تنها تعداد معدودی از استادان نامور به سمت آن می‌رفتند. در هفتاد، هشتاد سال اخیر، از زمانی که علامه قزوینی به ایران برگشت، گروهی از او متابعت کردند و روش جدید تصحیح متون را که روش اروپایی بود، از قزوینی فراگرفتند؛ مثل جلال‌الدین همایی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار و حبیب یغمایی.

تصحیح آنان ممکن است کم‌نقص و بی‌عیب باشد، اما ممکن است نسخه‌های بهتری از آن کتاب‌ها به دست آمده باشد و تصحیح مجدد آثاری که آن‌ها نشر کردند، ضرورت دارد؛ اما خیلی از کسانی که دست به تصحیح متون می‌زنند، شاید شایستگی آن را نداشته باشند؛ شاید با موضوع یا روش تصحیح متون آشنا نیستند. بسیاری از کتاب‌هایی که در ۲۵ سال اخیر منتشر شده، سطحی بوده و طبعاً آنهایی که سطحی است، ضرورت دارد دوباره منتشر شود و بخصوص هرچقدر ما نسخه‌های خطی تازه از آن متن به دست بیاوریم، ضرورت تصحیح جدید احساس می‌شود.

ضرورت چاپ عکسی نسخه‌های خطی را تا چه اندازه جدی می‌دانید؟

می‌دانید که به دلیل استفاده محدود از این نوع کتاب‌ها، برای چاپ آنها سرمایه‌گذاری نمی‌شود؛ چون فقط علمای فن می‌توانند اصل نسخه را بخوانند و مورد علاقه‌شان است و کتابی نیست که مورد استفاده عموم باشد. بنا بر این نسخ ویژه و نسخه‌های خطی مهمی که وجود دارد، اگر از نظر قدمت مهم و مربوط به چهارصد، پانصد سال پیش یا منحصر به فرد باشند، یا به خط مؤلف، به عقیده من ضرورت دارد به صورت فاکسیمیله منتشر شود. ■

تازه‌های میراث مکتوب

محک خسروی جنگ غزلیات بیش از پنجاه شاعر متأخر است که بر حسب اوزان عروضی و قوافی و ردیف ترتیب یافته است. از جمله شاعرانی که نمونه اشعار آنها در این جنگ فراهم آمده است می‌توان به آذر بیگدلی، آزاد کشمیری، درویش مجید طالقانی، عاشق اصفهانی، فتحعلی شاه قاجار، واله داغستانی، واله اصفهانی، واقف لاهوری و... اشاره کرد.
گردآورنده این جنگ میرزا خسرو بیگ گرجی (د: ۱۲۷۷ هـ. ق / م ۱۸۶۰) است که آن را به درخواست امیر سند میرکرم علی خان و برادرش میر مراد علی خان در سال ۱۲۳۲ هـ. ق / ۱۸۱۷ م. گردآورده است. وی دارای آثار دیگری همچون مجربات‌العلاج، سفینه‌الشعرا و دیوان اشعار فارسی است.

محک خسروی تألیف

میرزا خسرو بیگ گرجی
(در گذشته ۱۲۷۷ هـ. ق)
تصحیح و تعلیقات
فائزه زهرا میرزا
چاپ اول: ۱۳۹۰
بها: ۱۶۰۰ تومان

